

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاست انرژی در روابط بین الملل

پروفسور برندا شفر

برگردان از

دکتر ناصر فرشادگیر

فرناز بادپر

سرشناسه	شفر، برندا Shaffer, Brenda
عنوان و نام پدیدآور	سیاست انرژی در روابط بین الملل / برندا شفر؛ برگردان از ناصر فرشادگهر، فرناز بادپر
منشخصات نشر	تهران : دانشگاه علوم اقتصادی، ۱۳۹۱.
منشخصات ظاهری	۱۷۵ ص.؛ جدول، نمودار.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۴۶۳-۶۰۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیا
پایه دانشت	عنوان اصلی: Energy politics
موضوع	سیاست انرژی
موضوع	انرژی، منابع
موضوع	روابط بین المللی
موضوع	سیاست جهانی -- ۱۹۸۹ م. -
شناسه افزوده	فرشادگهر، ناصر، ۱۳۲۰ -، مترجم
شناسه افزوده	بادپر، فرناز، ۱۳۶۶ -، مترجم
شناسه افزوده	دانشگاه علوم اقتصادی
رده بندی کنگره	۷۱۲۹۱۱/۹۵۰۲ HD ش ۷
رده بندی دیویی	۷۹/۳۲۳

عنوان اصلی کتاب: Energy politics

عنوان: سیاست انرژی

مؤلف: برندا شفر

مترجم: دکتر ناصر فرشاد گهر-فرناز بادپر

ناشر: دانشگاه علوم اقتصادی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۲

قیمت: ۷۰،۰۰۰ ریال

نشانی: خیابان حافظ، خیابان رودسر، دانشگاه علوم اقتصادی، انتشارات ۴۳۷۰۳

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به انتشارات دانشگاه علوم اقتصادی

نوشتاری که هم‌ایمک بر گردان آن پیش روی خوانندگان گرامی است. پرسمانی ژرف برای دانشوران راژمانهای حقوقی، سیاسی و اقتصادی می باشد. این اثر یکی از پژوهشهای پیش کسوت نامدار پهنه انرژی در روابط بین الملل پروفیسور برندا شفر می باشد.

از آنجا که اینجانب سالهای دراز افتخار تدریس دروس گوناگونی مانند انرژی و سیاست در روابط بین الملل، مسائل سیاسی حقوقی نفت در ایران، تاریخ نفت در خاور میانه را در دانشگاههای کشور به عهده داشتم. بر آن گردید کتابی در خور دانشجویان بویژه ارشد روابط بین الملل فراهم شود. از همین روی با یاری سرکار خانم بادپر کارشناس ارشد مدیریت دولتی به ترجمان کتاب همت گمارده شد. امید است این سطور بتواند هر چند اندک، مورد بهره برداری علاقمندان پهنه انرژی قرار گیرد. بر خود ضروری می داند از ریاست دانشگاه جناب آقای دکتر صادقی شاهدانی، معاونت فرهیخته آموزشی جناب آقای دکتر طاهری برای ارزیابی و راهنماییهای ارزشمند، جناب آقای دکتر عاملی مدیر بزرگوار پژوهشی و کارشناس پی گیر مدیریت پژوهشی سرکار خانم اسدی سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۲۳	 فصل اول / انرژی و نوع حکومت
۲۵	 اقتصاد کشورهای صادرکنندگان انرژی
۲۸	 رژیم‌های سیاسی کشورهای صادرکننده انرژی
۲۹	 ثبات سیاسی کشورهای صادرکننده انرژی
۲۹	 دموکراسی و صادرکنندگان انرژی: جماعت شوروی سابق
۳۱	 فصل دوم / سیاست خارجی
۳۵	 تمرکز نوین بر گسترش سیاست‌های در میان صادرکنندگان انرژی
۳۶	 ملی‌سازی منابع انرژی
۳۸	 منافع غیرمنتظره انرژی و سیاست‌های خارجی
۳۸	 سلاح نفت
۴۱	 سلاح گاز
۴۲	 برخی از اصول عرضه گاز طبیعی
۴۴	 وابستگی یا وابستگی متقابل
۴۵	 امنیت بازارهای انرژی
۴۶	 سلاح انرژی یا ملاحظات سیاسی؟
۴۹	 توصیه‌هایی به منظور امنیت در عرضه انرژی
۵۱	 فصل سوم / مسیر خطوط لوله و سیاست‌های بین‌المللی
۵۴	 مسیرهای خطوط لوله
۵۵	 ارتباطات مستقیم میان کشورها توسط خطوط لوله
۵۶	 خط لوله نفت چین - قزاقستان

۵۷	کشورهای محصور در خشکی: پروژه‌های انتقال انرژی میان کشورها
۵۹	کشورهای ترانزیت کننده
۶۱	فصل چهارم / تعارض و درگیری
۶۴	همکاری و چالش میان دولت‌ها و کشورها
۶۵	انرژی و دربرداشتن بر سر تحدید مرزها و خطوط مرزی
۶۷	چشم‌انداز مرزبندی منطقه‌های مرزی مشترک دارای منابع انرژی در میان کشورها
۶۸	خط لوله صلح و تنش‌ها میان کشورهای آن
۷۱	تعارض میان کشورها
۷۳	فصل پنجم / امنیت
۷۷	امنیت انرژی
۷۹	آژانس بین‌المللی انرژی
۸۰	نقاط مسدود در انتقال انرژی
۸۳	انرژی هسته‌ای و سلاح هسته‌ای
۸۴	فصل ششم / تغییرات در آب و هوا
۸۹	سیاست‌های اساسی در قبال تغییرات آب و هوا
۹۱	پیش‌بینی مراحل و گام‌های بعدی
۹۲	سیاست‌ها و اصول اخلاقی در مورد آب و هوا
۹۵	فصل هفتم / روسیه
۱۰۰	جایگاه نفت و گاز در تاریخچه روسیه
۱۰۴	مصرف داخلی انرژی در روسیه
۱۰۴	نقش انرژی روسیه در سیاست‌های این کشور
۱۰۷	روند صادرات انرژی روسیه
۱۱۱	فصل هشتم / اروپا
۱۱۵	الگوهای مصرف انرژی در اروپا
۱۱۶	نظرخواهی: اساس یک سیاست نوین

۱۱۷	 امنیت انرژی اروپا
۱۱۹	 الزامات سیاسی: کاهش مخاطرات
۱۲۱	 فصل نهم/ ایالات متحده
۱۲۴	 پیشینه: مصرف انرژی ایالات متحده
۱۲۶	 انرژی به عنوان بخشی از سیاست‌های امنیت ملی و خارجی ایالات متحده
۱۲۷	 ذخیره استراتژیک نفت
۱۲۸	 شکل‌گیری سیاست انرژی ایالات متحده: تمامی سیاست‌ها موضعی هستند ..
۱۳۱	 فصل دهم/ چین
۱۳۹	 فصل یازدهم/ ایران
۱۳۹	 نفت
۱۴۳	 گاز طبیعی
۱۴۴	 انرژی هسته‌ای
۱۴۵	 روند انرژی و روابط خارجی
۱۴۶	 چشم‌انداز کارتل گاز
۱۴۹	 فصل دوازدهم/ عربستان سعودی
۱۵۳	 رهبری فعالیت‌های اوپک
۱۵۷	 نتیجه‌گیری
۱۶۱	 پیش‌بینی ائتلاف و حلقه‌های اتصال انرژی
۱۶۲	 توصیه‌هایی برای پژوهش‌های آتی
۱۶۴	 الزامات سیاسی

این موضوع که کشورها و دولت‌ها از ترکیب نفت و سیاست اغلب انتقاد می‌کنند، پرسمان نوین و غیرمتعارفی نیست. یکی از انتقادات به جنگ میان ایالات متحده با عراق این بود که هدف آن تنها نفت عراق بوده است. در بررسی مزیت‌های خطوط لوله و سیاست‌های مختلف تولید انرژی به شرکت‌ها و کشورهای تولید کننده انرژی در مورد ملاحظات اقتصادی آنها هشدار داده می‌شود. پیوست برنامه توسعه سازمان ملل و بانک جهانی در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد یکی از پیشنهادات اصلی آن توسعه سراسری خطوط لوله گاز و نفت است که طرح‌ریزی آن باید بر مبنای ملاحظات تجاری باشد. ایالات متحده و اروپا به روسیه و دیگر کشورهای صادر کننده انرژی در مورد جداسازی انرژی، از روابط خارجی خود هشدار داده‌اند. وزیر خارجه وقت آلمان «اشتاین مییر»^۱ خاطر نشان می‌کند که:

«انرژی نباید به عنوان یک قدرت رایج در سیاست‌های بین‌المللی گردد.»

معاون وقت ریاست جمهوری امریکا «دیک چنی»^۲ اشاره به رفتار روسیه در روند انرژی خود در مقابل همسایگانش داشت و چنین می‌گفت:

«هیچ‌گونه منفعت قانونی به هنگامی که نفت و گاز به عنوان ابزارهای ارعاب و تهدید و یا حق السکوت باشند، به کار نمی‌رود و همچنین زمانی که عرضه و یا صادرات انرژی دستکاری گردد و یا تلاش برای انحصاری کردن حمل و نقل انرژی صورت گیرد، نادرست می‌باشد»

یکی از شواهد آشکاری که برای این موضوع است زمانی است که صادرکنندگان انرژی از آن به عنوان یک ابزار برای ارتقای اهداف سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند. ایالات متحده و اروپا بارها استفاده از انرژی را به عنوان یک «سلاح» نادرست دانسته‌اند، انرژی باید به عنوان یک ابزار قانونی استاندارد در سیاست خارجی مورد استفاده قرار گیرد.

در این کتاب ادعای دیگری نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد:

انرژی و علوم سیاسی ذاتاً به هم پیوسته‌اند. توانایی یک کشور برای دستیابی به سیاست عرضه کنندگان انرژی و چگونه است؟ انرژی و تعیین شیوه‌هایی که در آن از

۱. Walter Steinmeier

۲. Dick Cheney

انرژی برای تصمیمات مهم اقتصادی و امنیت ملی و ثبات محیطی یک کشور استفاده شود، چه می باشند؟

امروزه شیوه زندگی عمومی مرسوم و ساختار جامعه جهانی به صورت بشر «هیدروکربنی» است و راهایی که آن را ایجاد می کنند، جنگ دستمزدها و یافتن دل مشغولی هایی که نیازمند «دسترسی مداوم» به سوخت های فسیلی است. افزون بر این امر برای صادرکنندگان و کشورهای مهم ترانزیت انرژی، سیاست عرضه انرژی همانند قسمتی از سیاست های ذخیره سازی مهمات جنگی و یا همانند دیگر ابزارهای اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک آنهاست. بنابراین احتمالا کشورهای زیادی از انرژی به عنوان سازوکار دستیابی به اهداف سیاسی خود، در مقابل، نادیده گرفتن اهداف نظامی و اقتصادی آن استفاده می نمایند. این گونه کشورها اهرم های خاصی را در بازارهای دشوار و سخت جهانی نفت دارند، به خصوص از زمانی که قیمت های نفت نسبت به توسعه های سیاسی حساس می باشد. قیمت های نفت از توسعه داخلی علاوه بر استراتژی های خارجی کشورها تأثیر پذیر می باشد. انقلاب های سیاسی شاهی بر این امر است، حتی اگر این انقلاب ها خسارات تولیدی و صادراتی و آسیب های جانی را در بر نداشته باشند. این انقلاب ها، قیمت های نفت را با خطوط اقتصاد بین المللی همسو می کنند. در واقع عوامل سیاسی اثرات قابل توجهی را بر سود اقتصادی یک کشور از تولید انرژی و طرح های زیرساختی آن دارد یکی از مولفه های هزینه بر یک پروژه می تواند از بین بردن ریسک های موجود باشد. جهت گیری سیاسی یک کشور، پایداری آن در تعهد به قراردادهای امضا شده، تمایل به از بین بردن تضادهای منطقه ای و غیره همه از جمله عواملی هستند که اثرات قابل ملاحظه ای را در تعیین قیمت های انرژی و ارزش های مشاهده شده از یک پروژه انرژی دارند.

طرح های زیرساختی باعث اتصال و ارتباط میان کشورها می گردد و منجر به ایجاد مناسبت میان آنها می شود؛ بنابراین کشورها در انتخاب مسیرهای صادرات کالاهای خود و واردات انرژی به طور معمول انشعابات سیاسی و انتخاب مسیرهای متنوع را در نظر گرفته و توسعه می دهند. تصمیمات در مورد برپایی پروژه های صادراتی گاز به ویژه بر مبنای ملاحظات سیاسی احتمال ریسک را افزایش می دهد. سرمایه گذاران ناگزیرند

مدت طولانی را برا بازگشت سرمایه خود انتظار بکشند و این چنین پروژه‌هایی هزینه‌های سنگینی را بر جای می‌گذارد. هنگامی که یک کشور یک پروژه به ساخت را آغاز می‌کند سرمایه‌گذاران قدرت نفوذ کمی را در مقایسه با کشور میزبان دارند. این قدرت حکومت و گرایش‌ها است که سبب می‌شود تصمیم‌های مربوط به پروژه‌های گاز و توسعه آن به پیروزی برسد. علاوه بر این کشورهایی وجود دارند که دارای میدان‌های گازی مشترکند که یکی از آنها موفق به گسترش منابع خود شده است و دیگری پیروز نبوده است. آگاهی روزافزون از تغییرات آب و هوای کره زمین به سمت گرم شدن به عنوان یک محرک امنیتی بالقوه برای کشورهای جهان، کمک نموده است تا سیاست‌های مصرف انرژی به سمت یک سیاست خارجی عظیم و به سمت مسائل امنیت کشورها حرکت نماید. همچنین سیاستمداران در حوزه‌های پژوهش‌های دانشمندان در رابطه با انرژی اثر می‌گذارند. در فصل مربوط به ایالات متحده به این موضع اشاره خواهد گردید که در امریکا توسعه سوخت غیرفسیلی بودجه وسیع دولتی را دریافت می‌کند که این تصمیم به دلیل ملاحظات سیاسی داخل کشور و سیاست‌های انرژی آن می‌باشد. برای مثال حمایت از تولید ذرت در امریکا به علت تولید اتانول حاصل از ذرت است.

علاوه بر این نیاز است تا سیاست‌های انرژی مورد بررسی قرار گردد تا جایگزین‌های مناسبی را برای آن بیابند. مثلاً انرژی هسته‌ای می‌تواند برای جلوگیری از تغییرات آب و هوایی جایگزین خوبی باشد، اما همچنین می‌تواند نتیجه‌اش گسترش تولید سلاح اتمی نیز باشد.

در اروپا و امریکا ملاحظات تجاری نقشی گسترده را در تصمیم‌گیری خروجی‌های سیاسی دارد. در دو دهه اخیر آنها به سمت خصوصی سازی واحدهای تجاری خود و جداسازی تولیدات انرژی، حمل و نقل و توزیع انرژی خود از بخش دولتی حرکت نموده‌اند. از سوی دیگر کشف نموده‌اند که بخش خصوصی با این وجود که می‌تواند انرژی را تهیه نماید اما قادر به تامین امنیت انرژی نخواهد بود. امنیت انرژی را در سه مولفه می‌توان جستجو نمود:

قابلیت اطمینان عرضه انرژی، توانایی مالی عرضه منابع و سازگاری با محیط.

بازار قادر به تامین قابلیت اطمینان عرضه و سازگاری با محیط نیست و این بدان مفهوم است که دولت‌ها درگیر سیاست‌های انرژی می‌شوند. بازار زیرساخت‌های عرضه و یا ذخیره انرژی را فراهم نمی‌کند که امنیت عرضه را تامین نماید و بالا برد. بازار این توانایی را ندارد که روابط سیاسی را گسترش دهد تا استفاده از انرژی را به عنوان یک سلاح، خنثی نماید. بازار به سمت تصمیماتی حرکت می‌کند که منافع شخصی کوتاه مدت را ارتقا می‌بخشد به جای این که امنیت انرژی طولانی مدت یک کشور در نظر داشته باشند. علاوه بر این نیروهای بازاری در واقع در بسیاری از موارد کاری را نمی‌تواند انجام دهد. بیش از ۷۰٪ از عرضه منابع نفت و گاز توسط دولت کنترل و اداره می‌شود.

پیوند میان انرژی و علوم سیاسی

سیاست انرژی به بحث در مورد رابطه میان انرژی و سیاست‌های بین‌المللی می‌پردازد و بر سیاست‌های نفت و گاز طبیعی بیش از سایر منابع تمرکز دارد. تولید، عرضه و انتقال آن به هم تنیده شده‌اند که عوامل زیادی سبب آن است که به شماری از آنها اشاره می‌گردد:

- استفاده از انرژی بر ساختار نظام بین‌الملل‌اش تأثیر می‌گذارد؛ استفاده از آن وابستگی متقابل در نظام بین‌الملل ایجاد می‌نماید. از آنجایی که نفت یک کالای جهانی است تقاضای هر کشور بر روی توانایی مالی عرضه و قیمت نفت بر تمامی مصرف‌کنندگان اثرگذار است.

- شرایط جهانی دشوار نفت در جهت بین‌المللی کردن سیاست‌های توسعه داخلی کشورهای تولیدکننده نفت و کشورهای مهم ترانزیت‌کننده. تحت شرایط سخت در بازارهای جهانی نفت سستی سیاست‌های داخلی کشور در مورد صادرات نفت و انتقال آن ممکن است به سمت خود بازار پژواک گردد.

- انرژی باعث ایجاد پیوند میان سیاست‌های داخلی و خارجی یک کشور می‌شود؛ اثر افزایش مصرف بر تغییرات گرمای کره زمین و آلودگی، قیمت‌های انرژی و نگرانی‌ها در مورد توانایی عرضه انرژی، عادات مصرفی ایجاد شده در داخل کشور همه و همه مسائلی هستند که از لحاظ بین‌المللی منافع و نگرانی‌هایی را در پی دارند.

- خط لوله صلح با هدف دستیابی به صلح میان کشورهای متعارض با یکدیگر ایجاد گشته است، اما دلایلی مبنی بر این که پروژه خط لوله در راستای هدف خود موفق بوده است، وجود ندارد. این خط لوله نقش چندانی را در رفع اختلاف و حال تعارضات میان کشورهایی که از آن می‌گذرد نداشته است، دولت‌های شرکت کننده برای مقاصد سرمایه‌گذاری خود نیازمند همکاری مثبت و روابط پایدار هستند که برای ایجاد پروژه‌های کلان زیرساختی از اولویت در میان این کشورها برخوردار است. از سوی دیگر این کشورها تمایل ندارند تا در این تعهدات طولانی مدت همراه با بازدهی بلند مدت سرمایه‌گذاری کنند و زیرساخت‌های این خط لوله در کشورهایی است با هم روابط مناسبی ندارند که اغلب منفعی برای منازعات و تنش‌ها است.

- صادرکنندگان نفت به ندرت جریان عرضه خود را متوقف می‌کنند. مهمترین تحریم‌های نفتی توسط کشورهای کلان واردکننده صورت می‌گیرد. با وجود سخنرانی صریح ونزوئلا بر ضد آمریکا هنوز هم آمریکا مهمترین بازار برای صادرات کاراکاس به حساب می‌آید.

در رابطه با افزایش امنیت انرژی کشورها نیاز دارند تا واردات انرژی خود را گسترش دهند. کشورهای نیاز دارند تا ظرفیت‌های ذخیره انرژی خود را گسترش دهند. برای داشتن این ظرفیت‌ها کشورها نیاز به همکاری با دیگر کشورها دارند، با این وجود کشورهای معدودی هستند که ظرفیت‌های کافی انرژی ذخیره شده دارند.

منابع انرژی

در تحلیل روابط میان انرژی و سیاست اهمیت تشخیص پویایی سیاسی نفت و گاز بسیار زیاد است.

نفت

نفت یکی از مهمترین اجزای تشکیل دهنده عرضه در کل جهان می‌باشد^۱ که در حدود یک سوم سهم انرژی در دنیا را دارا است، چرا که به آسانی و ارزانی انتقال داده

۱. Total Primary Energy Supply (TPES)

می‌شود و کاربردهای فراوانی دارد، همانند تولید جریان الکتریسیته، تامین گرما، استفاده در صنعت حمل و نقل به عنوان سوخت و....

نفت یک کالای جهانی با قیمت‌های یکپارچه جهانی است. قیمت آن را متوسط تجارت میان سوداگران اصلی تعیین می‌کند. دو ویژگی اصلی بر تعیین قیمت آن اثر گذار است طعم اسیدی ترش یا شیرین بودن و یا سبک و یا سنگین بودن آن. فرایند پالایش نفت شیرین از دیگری کم هزینه‌تر است در نتیجه قیمت تمام شده آن نیز پایین‌تر خواهد بود. نفت سبک که اغلب با نام نفت معمولی شناخته می‌شود دارای بنزین و فراورده‌های بالاتری نسبت به نفت سنگین است و قیمت بالاتری نیز داراست. با همه اوصاف پیش‌بینی روند مصرف و حجم ذخایر نفت بسیار دشوار است، چرا که در روند این پیش‌بینی دو عامل اثرگذار دخیل است: قیمت نفت و توسعه‌های تکنولوژیکی. صنعت نفت دارای دو بخش کلی است: بالادستی که شامل استخراج نفت و فراورده‌های آن است و پایین‌دستی که مربوط به پالایش و ماشین آلات پتروشیمی، حمل و نقل و توزیع نفت می‌باشد.

در حال حاضر بزرگترین تولیدکنندگان نفت دنیا عربستان سعودی، روسیه و ایالات متحده می‌باشند و بزرگترین صادرکنندگان نفت به ترتیب عربستان سعودی، روسیه، ایران و ایالات متحده می‌باشند.

گاز طبیعی

سریع‌ترین رشد مصرف انرژی جهان را گاز طبیعی به خود اختصاص داده است. پیش‌بینی می‌گردد که مصرف جهانی گاز تا سال ۲۰۳۰ به دو برابر مقدار کنونی خود برسد. به زودی گاز طبیعی از زغال سنگ (زغال سنگ به عنوان دومین منبع انرژی مهم در دنیا است) سبقت خواهد گرفت و اگر روند کنونی مصرف آن ادامه یابد حتی از مصرف نفت هم پیشی خواهد گرفت. ارتباط مستقیمی میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان گاز طبیعی وجود دارد که این امر در تجارت نفت وجود ندارد. قیمت‌های گاز بر اساس قراردادهای توافقی میان کشورهای تولید کننده و مصرف کننده تعیین می‌گردد. در برخی از معاملات طرفین قیمت گاز را با توجه تغییرات

جهانی قیمت نفت تعیین می‌کند در حالی که در برخی از معاملات طرفین قیمت‌های مستقل از نفت برای گاز تعیین می‌نمایند.

گاز طبیعی مایع بیشتر در قالب قراردادهای دو جانبه تجارت می‌گردد، اما بازارهای نقدی گاز نیز در حال گسترش هستند. بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی قطر است که حدود ۷۰٪ گاز طبیعی خود را به ژاپن، کره جنوبی و تایوان وارد می‌کند.

زغال سنگ

زغال سنگ در حدود یک چهارم از عرضه انرژی جهان را به خود اختصاص داده است. از آن به عنوان یک منبع عمده تولید الکتریسیته در جهان استفاده می‌گردد. زغال سنگ به علت هزینه‌های کم مربوط به آن استفاده آسان و گسترده‌ای دارد. از سوی دیگر پسماندهای آن و بازگشت آن به طبیعت آلودگی‌های بسیاری را منتشر می‌نماید. یکی از مهمترین دلایل وجود گازهای گلخانه‌ای کارخانه‌هایی هستند که با سوخت زغال سنگ فعالیت می‌نمایند. تمایلات بسیاری برای استفاده از زغال سنگ به عنوان جایگزینی برای نفت وجود دارد چراکه از آن می‌توان برای تولید سوخت‌های با کیفیت بالایی همچون سوخت دیزلی، نفتا (بنزین سنگین) و گاز بنزین مایع شده استفاده نمود.

انرژی هسته‌ای

کاربرد اصلی انرژی هسته‌ای برای تولید الکتریسیته است. در بحران دهه ۱۹۷۰ در بازار نفت، صنعت انرژی هسته‌ای رشد قابل توجهی نمود. با این وجود تا کنون تنها ۱۷٪ از تولید کل برق جهان با استفاده از این انرژی صورت می‌گیرد چرا که تامین انرژی از راکتورهای هسته‌ای بسیار هزینه بر است و علاوه بر این راکتورهای هسته‌ای همانند بقیه انرژی‌ها گازهای گلخانه‌ای تولید می‌کنند که باعث آلودگی و گرمای هوای جهان می‌گردد. یک نگرانی عمده این انرژی، پسماندها و اضافات سمی و هسته‌ای ناشی از این صنعت است که می‌تواند مشکلات امنیتی و حفاظت محیط زیست را به وجود آورد. حوادثی که بالقوه ممکن است برای راکتورهای هسته‌ای پیش آید نیز باعث ایجاد نگرانی می‌گردد. جدای از تمامی این مشکلات توسعه استفاده از این انرژی مهندسان و دانشمندان را به سمت برنامه‌های تولید سلاح هسته‌ای می‌کشانند. اورانیوم در دنیا به

صورت مشخص و محدودی وجود دارد و استفاده طولانی مدت آن قابلیت اعتماد به عرضه آن را در آینده کاهش می‌دهد.

قیمت‌های نفت

نفت هنوز هم بزرگترین کالای تجاری در کل دنیاست. بنابراین آن یکی از مهمترین و تعیین کننده‌ترین کالاهای اقتصاد جهانی است. قیمت‌های آن به صورت جهانی تعیین می‌گردد و معاملات آن در بازار جهانی صورت می‌گیرد.

قیمت‌های نفت یک ماهیت گردشی دارد. قیمت‌های پایین آن تقاضا را افزایش می‌دهد که کاهش سرمایه‌گذاری در تولیدات نفت را به دنبال دارد و تمایل را به مصرف دیگر سوخت‌ها کاهش می‌دهد (همانند گاز و زغال سنگ و...)، در نتیجه عرضه کنندگان قیمت را افزایش می‌دهند (فشار بازار) که در طولانی مدت به سمت کاهش تقاضا پیش می‌رود و سوخت‌های دیگر به رقابت با نفت می‌آیند. با این شرایط گاهی قیمت‌های نفت شوک‌هایی را تجربه می‌کنند و این چرخه طبیعی را بر هم می‌زنند. از دلایل این شوک‌ها می‌توان به مشکلات سیاسی اشاره نمود که برای مثال جنگ میان دو کشور بر سر خلیج و غیره.

به طور چشمگیری تقاضای جهانی برای نفت در حال افزایش است و سهم عمده‌ای از افزایش آن به علت مصرف ایالات متحده و برخی از کشورهای آسیایی است و همین امر باعث می‌گردد قیمت‌ها برای مدتی طولانی بالا بمانند. دولت‌های هر دو طرف تولیدکننده و مصرف کننده می‌توانند افزایش قیمت را با استفاده از اقدامات سیاسی کنترل نمایند، همانند مالیات‌های بالا بر مصرف انرژی و... در برخی از کشورهای آسیایی و کشورهای صادرکننده به مصرف انرژی یارانه تعلق می‌گیرد که این امر باعث افزایش مصرف انرژی می‌گردد. یک عامل مستقل وجود دارد که از جدای از تولید و مصرف بر قیمت‌های نفت اثرگذار است. از سال ۱۹۸۳ نرخ شناور نفت در مبادلات بازرگانی نیویورک آغاز گردید و به سراسر دنیا گسترش یافت و جهت معناداری به فعالیت‌های اقتصادی داد.

انرژی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل

انرژی بر سیاست‌های داخلی و توسعه حکومت‌ها اثرگذار است و در روابط بین‌الملل و علوم سیاسی نقش دارد. پژوهش‌های کمی پیرامون این موضوعات مهم صورت گرفته‌اند. در این کتاب به یک دیدگاه مقایسه‌ای در مورد روابط متقابل کشورها میان انرژی و سیاست در نظام بین‌الملل پرداخته شده است که تمرکز آن بر نفت و گاز طبیعی است.

www.ketab.ir